

**موضوع:** كتاب الإجارة/أركان الإجارة /تعریف بلوغ و علائم آن

خلاصه‏ی درس گذشته: بحث راجع به شرائط متعاقدین بود، اعم از عقد بیع، نکاح، إجاره و... یکی از مهمترین شرائط متعاقدین بلوغ است و کسی که صبی است عقد او نافذ نیست و عقدش باطل است، در اثبات این مدعا دلیل اجماع پذیرفته نشد؛ در استناد به دلیل قرآنی در آیه‎ی ششم سوره نساء به وضوح شرط بلوغ و همچنین شرط رشد عقلی به عنوان شرائط واگذاری اموال به ایتام معرفی شده است و این آیه به خوبی دال بر بطلان عقد صبی است: ﴿وَابْتَلُواْ الْيَتَامَى حَتَّىَ إِذَا بَلَغُواْ النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُم مِّنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُواْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ...﴾[[1]](#footnote-1) کلمه‎ی ﴿حَتَّىَ﴾ در این آیه به این معنا نیست که غایت داخل در مغیی نیست بلکه ادامه‎ی آیه به صراحت دلالت بر این دارد که این ابتلاء باید بعد از بلوغ نیز ادامه پیدا کند تا اطمینان از رشد عقلی ورّاث به دست آید و ایناس از رشد حاصل شود و پس از احراز صلاحیت لازم، این مسئولیت از اولیاء سلب می‏شود و باید این اموال در اختیار صاحبان اصلی مال قرار گیرد.

در استناد به روایات، چهار روایت مطرح شد که در مجموع به خوبی در مقام اثبات شرط بلوغ و رشد عقلی جهت واگذاری اموال و سایر اموری که در شأن انسان بالغ است، قابل استناد بودند و نتیجه‏ی این استشهاد حصول قطع به شرطیت بلوغ در متعاقدین و بطلان عقد صبی می‎باشد.

تعریف لغوی و اصطلاحی بلوغ و علائم آن: موضوع اصلی بحث ما راجع به عقد إجاره است و شرائطی که باید در صحت عقد إجاره لحاظ شود؛ در بیان شرائط رسیدیم به شرط بلوغ؛ ادله‎ی کافی در اثبات این دلیل ارائه گردید ولی مناسب می‎بینیم به جهت اهمیت بحث بلوغ و توجه کمی که در مجامع علمی به آن شده است مقداری در این بحث ورود پیدا کنیم.

معنای لغوی بلوغ: فی المنجد: «بَلَغَ یَبلُغُ بُلوغاً الثمرةُ: نضج، و الغلام أدرک- البالغ: المدرِک- یقال: غلامٌ بالغٌ و جاریةٌ بالغٌ أو بالغةٌ»[[2]](#footnote-2) بلغ به معنای رسیدن است حال یا رسیدن به یک مقصد و یا رسیدن میوه؛ گفته می‏شود: الغلام أدرک: یعنی پسر بچه به سن درک رسید؛ البالغ: یعنی کسی که به سن درک و فهم رسیده باشد بنا بر این همان معنایی که از واژه‎ی بلوغ مد نظر ما است از جهت رشد عقلی در این تحلیل لغوی موجود است.

استعمالات قرآنی لغت «بلغ»:

1- ﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النَّسَاء فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلاَ تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لَّتَعْتَدُواْ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلاَ تَتَّخِذُوَاْ آيَاتِ اللّهِ هُزُوًا وَاذْكُرُواْ نِعْمَتَ اللّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنزَلَ عَلَيْكُمْ مِّنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُم بِهِ وَاتَّقُواْ اللّهَ وَاعْلَمُواْ أَنَّ اللّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾[[3]](#footnote-3)

«و هنگامى‌كه زنان را طلاق داديد، و به پايان عده خود رسيدند، يا به طور شايسته آنها را نگاه داريد و آشتى كنيد)، و يا به طرز پسنديده‌اى آنها را رها سازيد؛ و آنها را به خاطر زيان رساندن نگاه نداريد تا به حقوقشان تجاوز كنيد. و كسى كه چنين كند، به خويشتن ستم كرده است. و با اين كارها آيات خدا را به استهزا نگيريد. و نعمت خدا را بر خود بياد بياوريد، و كتاب آسمانى و علم و دانشى را كه بر شما نازل كرده، و شما را با آن، پند مى‌دهد. و از خدا پروا كنيد و بدانيد خداوند از هر چيزى حتى از نيّت‌هاى شما آگاه است.»[[4]](#footnote-4)

در این آیه‎ی کریمه برای رسیدن به پایان عده از کلمه‎ی ﴿فَبَلَغْنَ﴾ استفاده شده است یعنی متناسب با همان معنای معروف و متداول در بین عرب زبان‏ها.

2- ﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاء اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾[[5]](#footnote-5)

«هنگامى كه با او به مقام سعى و كوشش و حد رشد رسيد، گفت: «پسرم! من در خواب ديدم كه تو را ذبح مى‌كنم، پس بنگر رأى تو چيست؟» گفت: «پدرم! هر چه دستور دارى اجرا كن، به خواست خدا مرا از صابران خواهى يافت.»[[6]](#footnote-6)

در این آیه کلمه‌ی ﴿بَلَغَ﴾ به معنای رسیدن به سن توانمندی و تلاش است، یعنی حضرت اسماعیل رسید به سنی که به همراه پدر در امور مربوط به افراد رشید، پدر را همراهی کرد بنا بر این استعمال این لفظ در این آیه نیز متناسب با معنایی است که در لفظ بلوغ مد نظر ما است.

- ﴿فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ﴾[[7]](#footnote-7) «هنگامى كه هر دو تسليم فرمان الهى شدند و ابراهيم پيشانى او را بر خاك نهاد.»[[8]](#footnote-8)

- ﴿وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ﴾[[9]](#footnote-9) «او را ندا داديم كه: اى ابراهيم!»[[10]](#footnote-10)

- ﴿قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾[[11]](#footnote-11) «آن رويا را تحقق بخشيدى و آماده قربانى فرزند شدى).» ما اين گونه، نيكوكاران را پاداش مى‌دهيم.»[[12]](#footnote-12)

- ﴿إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاء الْمُبِينُ﴾[[13]](#footnote-13) «به يقين اين همان امتحان آشكار است.»[[14]](#footnote-14)

حضرت ابراهیم، داستان خواب و دستور الهی را به اسماعیل گفت و نظر او را جویا شد. قرآن این مشورت را چنین نقل می‌کند: «(ابراهیم) گفت: پسرم! من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟ (فرزند) گفت: پدرجان، هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت!».

پس از تصمیم بر انجام دستور الهی، اسماعیل گفت:‌ای پدر، روی مرا بپوشان و پای مرا ببند. ابراهیم روی فرزند را پوشاند ولی نپذیرفت پای او را ببندد.زمانی که پیشانی اسماعیل بر خاک قرار گرفت، ابراهیم چاقو را بر گلوی فرزند نهاد، سر خود را به سمت آسمان کرد و سپس چاقو را کشید، اما جبرئیل مانع اثر کردن چاقو شد. چندین بار این عمل انجام شد.سپس وحی نازل شد: «یا إِبْرَاهِیمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْیا؛‌ای ابراهیم، خوابت را تحقق دادی [و فرمان پروردگارت را اجرا کردی]». در نهایت یک قوچ بهشتی توسط ابراهیم، به جای حضرت اسماعیل ذبح شد.

قرآن از این امتحان چنین تعبیر می‌کند: «إِنَّ هذا لَهُوَ الْبَلاءُ الْمُبینُ؛ این مسلما امتحان مهم و آشکاری است»َ بنابر برخی نقل‌ها، شیطان تلاش بسیاری برای جلوگیری از انجام این دستور الهی انجام داد. او برای نیل به این هدف تلاش‌هایی برای گمراهی حضرت ابراهیم، همسر و فرزند او انجام داد و در هر سه مورد ناموفق بود.

3- ﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾[[15]](#footnote-15)

«و هنگامى كه اطفال شما به حد بلوغ رسند بايد اجازه بگيرند، همان گونه كه اشخاصى كه پيش از آنان بودند اجازه مى‌گرفتند؛ اينچنين خداوند آياتش را براى شما بيان مى‌كند، و خدا دانا و حكيم است.»[[16]](#footnote-16)

در این آیه نیز ﴿بَلَغَ﴾ به معنای رسیدن است.

نکاتی که شایسته است در این آیه به آن توجه داشته باشیم این است که مراکز علمی و تبلیغی از پیام تربیتی مهمی که این آیه دارد غافل هستند در حالی که در این آیه خدای متعال دستور می‎دهد بچه‎های بالغ در خانواده وقتی وارد خانه‌ای می‎شوند از ساکنین آن خانه اجازه بگیرند. البته برخی مکان‎ها برای اهل آن خانه استفاده‎ی عمومی دارد و لازم نیست در هر ورود و خروجی با اذن وارد شوند مانند اتاق پذیرایی و مطبخ و حیاط ولی برخی اتاق‎ها مخصوص شخصی است و یا متعلق به پدر و مادر است در این گونه فضاها چه بچه‎های بالغ و چه نابالغ باید این تربیت را داشته باشند که بدون اذن صاحب آن اتاق به آن مکان وارد نشوند.

مناسب است در ادامه بحث بلوغ این نکته‎ی مهم را با تفصیل بیشتری مورد توجه قرار دهیم و راجع به این که چه اموری از علائم بلوغ به حساب می‏آید؛ تمام عبادات الهی مانند نماز و روزه و حج و سایر عبادات متوقف بر بلوغ است إن شاء الله در فرصت مناسب در ادامه بحث لغوی و اصطلاحی بلوغ، راجع به احکام بلوغ و مسائل تربیتی آن با استعانت از آیات قرآن کریم مطالبی بیان خواهد شد.

و اما یکی از آیاتی که باید اهل هر خانواده در معاشرت‎های خود به آن توجه داشته باشند آیه‎ای است که در آن زمان‎های خلوتِ زن و شوهر بیان شده است و اهل آن خانه موظف هستند حدود خود را مخصوصا در این زمان‎ها حفظ نمایند:

 ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُم مِّنَ الظَّهِيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاء ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُم بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾[[17]](#footnote-17)

«اى كسانى كه ايمان آورده‌ايد! بردگان شما، و همچنين كسانى از شما كه به حدّ بلوغ نرسيده‌اند، در سه وقت بايد از شما اجازه بگيرند: پيش از نماز صبح، و نيمروز هنگامى كه لباسهاى معمولى خود را بيرون مى‌آوريد، و بعد از نماز عشا؛ اين سه وقت خصوصى براى خلوت شماست؛ امّا بعد از اين سه وقت، گناهى بر شما و بر آنان نيست كه بدون اذن وارد شوند و بر گرد يكديگر بگرديد و با صفا و صميميت به يكديگر خدمت نماييد). اين‌گونه خداوند آيات را براى شما روشن مى‌سازد، و خداوند دانا و حكيم است.»[[18]](#footnote-18)

معنای اصطلاحی بلوغ: باید معلوم شود وقتی فقهاء از اصطلاح بلوغ استفاده می‎کنند مقصودشان چیست؟

کلام مرحوم صاحب جواهر: «والمراد بالأول الذي هو في اللغة الإدراك بلوغ الحلم، والوصول إلى حد النكاح بسبب تكون المني في البدن، وتحرك الشهوة والنزوع إلى الجماع، وإنزال الماء الدافق الذي هو مبدأ خلق الإنسان بمقتضى الحكمة الربانية فيه وفي غيره من الحيوان لبقاء النوع، فهو حينئذ كمال طبيعي للإنسان يبقى به النسل، ويقوى معه العقل، وهو حال انتقال الأطفال إلى حد الكمال والبلوغ مبالغ النساء والرجال.

ومن هنا إذا اتفق الاحتلام في الوقت المحتمل حصل به البلوغ ولم يتوقف على بيان الشارع ، فإن البلوغ من الأمور الطبيعية المعروفة في اللغة والعرف، وليس من الموضوعات الشرعية التي لا تعلم إلا من جهة الشرع كألفاظ العبادات...»[[19]](#footnote-19)

بیان استاد: در این عبارت صاحب جواهر مراد از بلوغ در لغت به معنای رسیدن به سن احتلام است و به دست آوردن قابلیت نکاح، به جهت این که بدن او توان تولید منی را پیدا می‎کند و حالت شهوت و میل به جماع در او به وجود می‎آید و حالت انزال منی در او به وجود می‎آید همان منی که مبدأ خلقت انسان است و این به جهت حکمت خدای متعال است و در غیر انسان این منی موجب بقای نوع هر حیوانی است، حالت بلوغ برای هر انسانی یک کمال جسمی و طبیعی به شمار می‏آید و موجب بقای نسل انسان می‏شود و همزمان رشد عقلی محسوسی در او به وجود می‎آید و به رشد جسمی مطلوب نیز می‏رسد.

بلوغ فرایند طبیعی است که یک انسان از حالت طفولیت به حال کمال و رشد عقلی و جسمی می‎رسد و در این حالت به او خانم یا آقا می‏گویند.

بنا بر این با تحقق احتلام بلوغ اتفاق می‎افتد و متوقف به بیان شرع نمی‏ماند زیرا بلوغ یک پدیده‎ی طبیعی شناخته شده در لغت و عرف است ‏و از اصطلاحات شرعی به شمار نمی‏آید و مانند اصطلاحات شرعی نیست که بدون تعلیم شرعی شناخته نشود...

1. [سوره نساء/ آیه6](https://lib.eshia.ir/17001/1/77/6). [↑](#footnote-ref-1)
2. [المنجد في اللغة، لويس معلوف، ج1، ص48](https://ito.pdf.lib.eshia.ir/95584/1/48). [↑](#footnote-ref-2)
3. [سوره بقره/آیه231](https://lib.eshia.ir/17001/1/37/231). [↑](#footnote-ref-3)
4. [ترجمه قرآن، مكارم شيرازى، ناصر، ج1، ص37، دار القرآن الکریم](https://lib.eshia.ir/10313/1/37/231). [↑](#footnote-ref-4)
5. [سوره صافات/ آیه102](https://lib.eshia.ir/17001/1/449/102). [↑](#footnote-ref-5)
6. [ترجمه قرآن، مكارم شيرازى، ناصر، ج1، ص449، دار القرآن الکریم](https://lib.eshia.ir/10313/1/449/102). [↑](#footnote-ref-6)
7. [سوره صافات/آیه103](https://lib.eshia.ir/17001/1/450/103). [↑](#footnote-ref-7)
8. [ترجمه قرآن، مكارم شيرازى، ناصر، ج1، ص450، دار القرآن الکریم](https://lib.eshia.ir/10313/1/450/103). [↑](#footnote-ref-8)
9. [سوره صافات/آیه104](https://lib.eshia.ir/17001/1/450/104). [↑](#footnote-ref-9)
10. [ترجمه قرآن، مكارم شيرازى، ناصر، ج1، ص450، دار القرآن الکریم](https://lib.eshia.ir/10313/1/450/104). [↑](#footnote-ref-10)
11. [سوره صافات/آیه105](https://lib.eshia.ir/17001/1/450/105). [↑](#footnote-ref-11)
12. [ترجمه قرآن، مكارم شيرازى، ناصر، ج1، ص450، دار القرآن الکریم](https://lib.eshia.ir/10313/1/450/105). [↑](#footnote-ref-12)
13. [سوره صافات/آیه106](https://lib.eshia.ir/17001/1/450/106). [↑](#footnote-ref-13)
14. [ترجمه قرآن، مكارم شيرازى، ناصر، ج1، ص450، دار القرآن الکریم](https://lib.eshia.ir/10313/1/450/106). [↑](#footnote-ref-14)
15. [سوره نور/ آیه59](https://lib.eshia.ir/17001/1/358/59). [↑](#footnote-ref-15)
16. [ترجمه قرآن، مكارم شيرازى، ناصر، ج1، ص358، دار القرآن الکریم](https://lib.eshia.ir/10313/1/358/59). [↑](#footnote-ref-16)
17. [سوره نور/ آیه58](https://lib.eshia.ir/17001/1/357/58). [↑](#footnote-ref-17)
18. [ترجمه قرآن، مكارم شيرازى، ناصر، ج1، ص357، دار القرآن الکریم](https://lib.eshia.ir/10313/1/357/58). [↑](#footnote-ref-18)
19. [جواهر الكلام، نجفي جواهري، شيخ محمد حسن، ج26، ص4، دار إحیاء التراث العربی](https://lib.eshia.ir/10088/26/4/%D8%A7%D9%84%D8%A5%D8%AF%D8%B1%D8%A7%D9%83). [↑](#footnote-ref-19)